

OCTOBER

اکتبر ۵۱

۱۷ اوت ۲۰۰۵

۲۶ مرداد ۱۳۸۴

نشریه کمیته
کردستان حزب
کمونیت کارگری
ایران - حکمتیست

رهبران کمونیست در میان مردم



سردار نگلی



خالد علیپناه



فرهاد رضایی



یدی کریمی



عبدالله دارابی



مجید حسینی

گارد آزادی ، پیام آور آزادی و برابری

22 مرداد مقطع مهم فعالیت گارد آزادی شنبه 22 مرداد امسال واحدهای گارد آزادی با درایت و کاردانی و با حمایت توده ای و اتکا به تجارب فرماندهان و کادرهای با تجربه ای چون خالد علی پناه ، سردار نگلی، یدی کریمی و کمال رضایی (مریزان) و همکاری عملی طیف وسیع جوانان پرشور خود را به 3 کیلومتری پادگان نظامی رژیم در شهر مریوان

مجید حسینی و عبدالله دارابی در حومه شهر مریوان نام و نیروی جدیدی را به فرهنگ مبارزاتی مردم علیه تبعیض و نابرابری و ستم و علیه جمهوری اسلامی و برای تحقق آزادی و برابری اضافه کرد. گارد آزادی سر زبانها افتاده است. تبلیغ میشود و با حضور و فعالیت موثرش در حومه مریوان جای خود را در دل مردم تشنه آزادی باز میکند.



رحمان حسین زاده

حضور موفق و موثر گارد آزادی به همراه رهبران محبوب سه دهه مبارزات آزادبخواهانه و انقلابی مردم

اطلاعیه کمیته کردستان

محبوب مردم در تداوم حضورشان در منطقه وارد روستای "لنج ناوا" در کیلومتری پادگان مریوان و چسبیده به شهر شدند. واحدهای حفاظتی گارد آزادی متشکل از جوانان و مردم داوطلب و پر شور تحت هدایت کادرهای با تجربه حزب حکمتیست رفقا خالد علی پناه، کمال مریزان ، یدی کریمی و سردار نگلی امنیت این

رهبران کمونیست در میان مردم عبدالله دارابی و مجید حسینی از رهبران حزب حکمتیست در حومه شهر مریوان حضور دارند واحدهای حفاظتی گارد آزادی در این حرکت عبدالله دارابی و مجید حسینی را همراهی میکنند. غروب دیروز شنبه مرداد ماه ۴ برابر با اوت ۵ ، عبدالله دارابی و مجید حسینی از رهبران کمونیست

کمپین برای آزادی برهان دیوارگر و کلیه زندانیان سیاسی

صفحه ۴



ایران، آمریکا و "نزاع هسته ای" گفتگوی اکتبر با فاتح شیخ رئیس دفتر سیاسی حزب حکمتیست

صفحه ۳



در صفحات دیگر

گزارشی از مریوان! صالح سرداری

تمام دستگیر شدگان باید آزاد شوند! خالد حاج محمدی

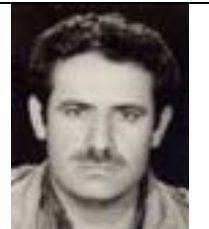
آخرین ایستگاه یک زندگی پر تلاش و انسانی! محمد فتاحی

در گرامیداشت شخصیتی کمونیست، موسی فتاحی! رسول بناوند

چه کسی در این مملکت جواب من را میدهد! مریم اخضر پور

یاد موسی فتاحی گرامی باد!

صفحه ۶



مردم عراق زیر منگنه مثلث ارتجاعی!

(پیرامون خیمه شب بازی تدوین قانون اساسی)

صفحه ۵

عبدالله شریفی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

گارد آزادی از ص ۱

رساندند و در روستای چسپیده به شهر لنج آوا حفاظت اجتماع توده ای مردم و رهبران حزب حکمتیست مجید حسینی و عبدالله دارابی را به عهده گرفتند. نقش موثر گارد آزادی در این حرکت نقطه عطفی در شکل گیری نیروی حفاظتی و مسلح کمونیستی و متعلق به طبقه کارگر و مردم زحمتکش است. در نتیجه 22 مرداد 1384 را میشود به عنوان روز گارد آزادی یاد کرد. و هر سال در این روز فعالیتهای این نیرو و دستاوردها و مسائل پیشرویی آن را بررسی کرد. این نیرو در بطن تجربه هرساله پروژه رهبران کمونیست صیقل یافت و به اینجا رسید، که اولین بار در شهریور 1378 توسط عبدالله دارابی و واحدهای همراهش در حومه مریوان ابراز وجود کردند. همان وقت منصور حکمت عزیز عنوان مناسب و جذاب رهبران کمونیست را بر آن نهادند و در مورد اهمیتش با قلم تیزش نوشت و مشوق اصلی تشکیلات کردستان حزب برای تداوم این پروژه بود.

از آن ببعد هر سال پروژه رهبران کمونیست در میان مردم تداوم داشته است و همزمان با این فعالیتهای تعیین اسم مشخص و متمایز کننده از سنت "پیشمرگایه تی" و چپ سنتی و چریکی در سطح جهانی و منطقه، برای نیروی مسلح ما موضوعیت جدی پیدا کرد. در این چند

سال اسامی متعددی از جمله "پارتیزان کمونیست"، "گارد سرخ" و نهایتاً "گارد آزادی" مطرح شدند. هر یک از اسامی دیگر به دلایلی رد شدند. در اینجا فرصت پرداختن به آن دلایل نیست. در میان این اسامی سال گذشته در مورد عنوان "گارد آزادی" به توافق رسیده و تصمیم گرفتیم.

حضور موثر حکمتیستها در اعتصاب عمومی مردم کردستان و حرکت اخیر رهبران کمونیست و گارد آزادی به ابتکار و همت حکمتیستها عطف کمونیستها و حکمتیستها را برای جابجایی نیرو و تغییر تناسب قوا به نفع کمونیسم و کارگر و چپ در جامعه نشان میدهد. آن سنت لنینی و حکمتی را برجسته میکند که قرار نیست چپ و کمونیسم باردیگر یا "قربانیان بی آزار تاریخ" و یا "گروه فشار آتشین مزاج" در بطن تحولات بر سر قدرت سیاسی باشند. بلکه مستقیماً میخوانند نیروی معادله قدرت و کسب قدرت سیاسی توسط حزب کمونیستی باشند. تازه این آغاز کارما و دنیایی وظایف پیچیده در انتظار ما ست. فعالیت گارد آزادی در این چارچوب حائز اهمیت است.

اهداف گارد آزادی

اهداف گارد آزادی جدا از اهداف حزب حکمتیست نیست. همان هدفی را تعقیب میکند که کل حزب بر اساس برنامه و اهداف و استراتژی خود تعقیب میکنند. رهایی انسان و تحقق آزادی و برابری و حکومت کارگری قطب نمای این نیرو و الهام

بخش آن است. در یک کلام گارد آزادی پیام آور آزادی و برابری است.

نقطه عزیمت حزب حکمتیست برای نجات جامعه از نظم سرمایه و جهنم جمهوری اسلامی بسیج طبقه کارگر و توده مردم زحمتکش، به میدان کشیدن جنبش اعتراض کارگری و توده ای و جنبش اعتراض شهری و سازماندهی و هدایت مبارزات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کارگران و توده وسیع مردم جان به لب رسیده و در یک کلام سازماندهی انقلاب کارگری و رهایی قطعی جامعه است. چنین مبارزه و انقلابی حزب سیاسی و توده ای را مطلقاً مستقیماً جوابگوی عرصه های متنوع و پیچیده این مبارزه باشد. بر این اساس فعالیت مسلحانه و سازماندهی گارد آزادی یکی از این عرصه ها در کنار این دهها عرصه مهم فعالیت جنبش و حزب ماست. در جامعه ای که رژیمهای استبدادی تا دندان مسلح حاکمند. در جامعه ای که تروریسم جمهوری اسلامی در شکل دولت خود را بر مردم تحمیل کرده است. در جامعه ای که 26 سال است جمهوری اسلامی نیروی نظامی و انتظامی را به جان مردم انداخته است و مشخصاً در جامعه کردستان که رژیم حاکم از 28 مرداد 58 تاکنون رسماً جنگ تمام عیاری را علیه مردم کردستان اعلام کرده و هر شهر و روستا و کل این منطقه را با لشکرکشی و زور نظامی و جنگ و کشتار به تصرف در آورده است. و در شرایطی که مردم برای مقابله و مقاومت دست به

اسلحه برده اند، حزب کمونیستی کارگران و طالب قدرت سیاسی دخالترانه باید این عرصه را متکی بر افق و سیاست و الگو و سنت مبارزاتی خود سازمان دهد. ضرورت سیاسی سازماندهی گارد آزادی بر ای حزب حکمتیست از همین جا ناشی میشود. مضافاً احزاب ناسیونالیست در کردستان مسلحند. اینها اگر اهرم نظامی را در مقابل دولتهای ارتجاعی مرکزی به منظور رسیدن به سازش جهت شریک شدن در قدرت بکار میگیرند. همان اسلحه را برای مقابله و سرکوب صف آزادیخواهی و حق طلبی کارگر و توده مردم زحمتکش و کمونیستها بکار میگیرند. تجربه دو دهه گذشته تقابل کمونیسم و ناسیونالیسم در کردستان ایران و عراق همین را نشان میدهد. این واقعیت ضرورت سازماندهی عرصه نظامی توسط کمونیستها را ده چندان تاکید میکند. گارد آزادی جویایی به این نیاز هم هست.

به گارد آزادی بپیوندید.

گارد آزادی را باید تقویت کرد و گسترش داد. واحدهای مسلح گارد آزادی را باید در شهر و روستاهای کردستان و در محیط کار و زیست مردم سازمان داد. ساختار و الگوی سازمانی گارد آزادی درست همانند اهداف آن متفاوت و متمایز از نیروی مسلح سنتی و پیشمرگایه تی مرسوم در کردستان و بخش عمده تجربه چپ تاکنونی است. حزب ما اساساً این نیرو را در شهرها و منطق با شرایط نرمال

زندگی توده کارگر و مردم زحمتکش و هر انسان آزادیخواه در جامعه سازمان میدهد. در فرصت دیگری با تفصیل بیشتر در مورد نحوه فعالیت و آرایش و ساختار سازمانی و تاکتیک و وظایف کوتاه مدت و بلند مدت تر نیروی گارد آزادی باید نوشت و توضیح داد. سرعت سیر تحولات کنونی درست همانند همه عرصه های انقلابی دیگر در این عرصه هم ابتکار و تلاش عاجلی را در دستور کار تشکیلات کردستان حزب و همه کمیته های شهرها قرار میدهد. جوابگوی درست این موضوع جوابگویی نیاز اجتماعی و تشخیص درست یکی از مهمترین اولویتهای ایندوره است.

همین جا هر انسان مبارز و هر جوان پرشور و رادیکال که خود را در اهداف سیاسی و اجتماعی حزب ما و گارد آزادی شریک میدانند به پیوستن به صفوف گارد آزادی فرامیخوانم. هر کس که میخواهد به نیروی گارد آزادی بپیوندد با تشکیلات کردستان حزب، با کمیته شهرها و با رهبران و شخصیتها و کادرهای شناخته شده حزب در کردستان تماس بگیرد. صفوف گارد آزادی پذیرای هر انسان پرشور و مبارزیست که از این طریق جنبش آزادی و برابری را تقویت میکند.

درد بر گارد آزادی، پیام آور آزادی و برابری

زنده باد آزادی، برابری،
حکومت کارگری

مرگ بر جمهوری اسلامی
کمیته کردستان حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست

23 مرداد 1384 - 14 اوت
2005

است. حضور مجید حسینی و عبدالله دارابی و واحدهای گارد آزادی در منطقه ادامه دارد و مردم مبارز را به مراجعه و ملاقات و دیدار و طرح نقطه نظراتشان با رهبران و کادرهای حزب حکمتیست دعوت میکنیم.

ما در اطلاعیه های بعدی مردم آزادیخواه و سرنگونی طلب را در جریان تداوم گشت و حضور رهبران حزب حکمتیست و واحدهای گارد آزادی قرار میدهیم.

سرنگونی و پیام کتبی عبدالله دارابی و مجید حسینی وسیعاً پخش شد. ناگفته نماند بخش مهمی از این ادبیات و پیام از قبل در سطح شهر مریوان پخش شده بود. حضور رهبران کمونیست در میان مردم کردستان در این دوره بخشی از پروژه حزب حکمتیست برای بسیج و سازماندهی مردم انقلابی کردستان علیه جمهوری اسلامی و کسب آمادگی حزب و مردم برای رویارویی نهایی و سرنگونی قطعی جمهوری اسلامی

اطلاعیه کمیته کردستان حزب ... از ص ۱

حضور سیاسی را تامین کردند. مجید حسینی و عبدالله دارابی در میان شادی و سرور و استقبال بی نظیر مردم از طریق بلند گوی مسجد دو بار برای حضار سخنرانی کردند. سپس چند ساعت با مردم، جوانان به بحث و گفتگو نشستند. ادبیات حزب حکمتیست، منشور

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

گفتگوی اکتبر با فاتح شیخ رئیس دفتر سیاسی حزب حکمتیست

اکتبر:

کشمکش اتمی میان جمهوری اسلامی و دولتهای غربی، با ازسرگیری غنی سازی اورانیوم در اصفهان و اخیراً هم با انتصاب علی لاریجانی بجای روحانی، حادثه شده و بوش مجدداً صحبت از "گزینه نظامی" کرده است! نظر شما در این باره چیست؟ آیا این کشمکش به مرحله نظامی خواهد کشید؟

فاتح شیخ:

به فاز نظامی بکشد یا نکشد، این کشمکش بسیار جدی شده و میتواند خیلی پرمخاطره بشود. نه از این نظر که شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی آن را به شورای امنیت ارجاع میکند. این اهمیت چندانی ندارد. جدال اتمی غرب با جمهوری اسلامی بر سر حقوق بین الملل و فلان پیمان مربوط به "منع گسترش سلاح اتمی" نیست. این جدال سیاسی است و جنبه حقوقی در آن وزن ناچیزی دارد. قدرتهای غربی با خود جمهوری اسلامی مساله دارند و از اینجا با بمب اتمی اش. همین یکماه پیش، طی سفر نخست وزیر هند به آمریکا، دولت هند رسماً به "کلوب" دولتهای دارای سلاح اتمی "پذیرفته شد"، بسادگی به این خاطر که کلیدداران این "کلوب" و در راسشان آمریکا،

با آن دولت مشکل جدی ندارند. حتی با دولت کره شمالی هم (بالینکه داغ "محور شرارت" خورده است) آنقدر مشکل ندارند که با جمهوری اسلامی دارند. با کره شمالی دارند سر قیمت کنار آمدن چانه میزنند. با جمهوری اسلامی سر خیلی مسائل مهم در حال چالنج اند. سران جمهوری اسلامی، بخاطر مخصصه ای که آمریکا و متحدانش در عراق به آن دچارند، خود را در موقعیتی می بینند که در کشمکش اتمی در برابر آمریکا و اروپا پا سفت کنند و فکر میکنند بقاء حاکمیتشان از این راه بهتر تامین میشود.

بعلاوه امروز با بسته شدن قطعی پرونده "تعدیل رژیم" و افزایش قدرت ترند غلیظ تر اسلام سیاسی در صفتبندی درونی جمهوری اسلامی، خود رژیم، بود و نبودش، بیشتر از قبل به گرگانه اصلی کشمکش اتمی، برای هر دو طرف، بدل شده است. هم جمهوری اسلامی مستقیماً از مساله اتمی برای تحمیل موجودیت متزلزل خود استفاده میکند و هم دولتهای غربی از فشار خود به جمهوری اسلامی به بهانه خطر دستیابی اش به سلاح اتمی برای متزلزلتر کردنش تلاش میکنند و به نظر میرسد اروپا هم در این زمینه بیشتر به سیاست آمریکا نزدیک شده است. تفاوت در اینست که جمهوری اسلامی

با دخالت وسیع و مداومش در عراق، دارای اهرم فشار واقعی بر آمریکا است درحالیکه برای آمریکا و اروپا شورای حکام و شورای امنیت در شرایط حاضر اهرم فشار موثری بر جمهوری اسلامی نیست و اهرم فشار دیگری هم در اختیار ندارند. فشار واقعی بر جمهوری اسلامی از کانال مبارزه متحدانه مردم تامین میشود، ولی آمریکا و اروپا از آنجاکه نمیخواهند نیروی مردم علیه جمهوری اسلامی به میدان بیاید این فشار واقعی را تقویت نمیکند و دائماً در صدد تضعیف آن هستند. تازه ترین نمونه مبارزات و اعتصابات مردم کردستان بود که از طرف دولتها و میدیای غرب تحویل گرفته نشد. درحالیکه فکر میکنند با پا دادن به مساله گنجی فشاری بر رژیم وارد میکنند که اینطور نیست.

در نتیجه، از طرفی پاسفت کردن جمهوری اسلامی بر این مساله و کارساز نبودن سیاست اروپا و آمریکا باعث تصاعد این کشمکش و پا گذاشتن آن به مراحل خطرناکتر خواهد شد. تهدید مجدد بوش در مورد راه حل نظامی گرچه امکان عملی شدنش ضعیف است، یکی از نشانه های پتانسیل خطرناک تصاعد این کشمکش است.

بدون شک از زاویه منافع مردم ایران و منطقه و کل بشریت هم صاحب سلاح اتمی شدن جمهوری اسلامی فوق العاده خطرناک است اما جلوی این خطر را هم مردم ایران با تداوم مبارزه متحدانه خود تا سرنگون کردن رژیم میتوانند بگیرند.

اکتبر:

با توجه به توضیحات شما، ربط این مساله به مسائل خاورمیانه چیست؟ اوضاع عراق و نقش اسلام سیاسی در آنجا، تخلیه شهرکهای یهودی نشین نوار غزه، این رویدادها در کجای این نزاع قرار میگیرند؟ آینده این ماجرا را چگونه میبینید؟

فاتح شیخ:

در عراق هم اسلام سیاسی با توجه به موقعیت پرمخصصه آمریکا و همچنین تحت تاثیر تحولات در آرایش بالای رژیم اسلامی در ایران، بیشتر از پیش به طرف تاکید بر غلظت اسلامی چرخیده است. پافشاری لجویانه جریانات موسوم به "ائتلاف شیعه" بر اسلامیت در ارتباط با تدوین پیشنویس قانون اساسی که منجر به بن بست این پروژه شد تنها یک جنبه این چرخش است. پراتیک کردن ارتجاع و سرکوب اسلامی علیه حقوق مدنی شهروندان و تحمیل خفقان جهانی بر زنان وجه برجسته تر این پروژه است. تلاش آمریکا برای کنار آمدن با اسلام سیاسی در عراق که هم اکنون در ترکیب دولت

هستند، به این جریانات کمک کرده که میخهای ارتجاع خود را بیشتر و بیشتر بر پیکر جامعه ویران شده عراق بکوبند. به نظر میرسد که آمریکا اخیراً و مشخصاً بعد از عروج احمدی نژاد، دست به تلاشی در جهت معکوس زده و قصد دارد در عراق و در فلسطین از دامنه گسترش اسلام سیاسی کم کند. تشدید فشار بر دولت اسرائیل برای تخلیه نوار غزه و تمکین دولت اسرائیل در این مورد که این روزها دارد به سرانجام میرسد، بخشی از این تلاش است. تخلیه نوار غزه میتواند به تغییر بالانس به نفع دولت حاکم فلسطین و به زیان حماس و جهاد کمک کند، اما وزنه حماس و جهاد و حتی حزب الله لبنان در مجموعه جبهه اسلام سیاسی در منطقه در مقایسه با موقعیت جریانات اسلامی در عراق ناچیز است.

آینده این کشمکش نه در غزه که در ایران و عراق تعیین خواهد شد. پیشرفت و پیروزی مبارزه مردمی تا سرنگونی جمهوری اسلامی در ایران و جارو کردن جریانات اسلامی در عراق، تنها پروژه ای است که میتواند منطقه را از خطر تصاعد کشمکش جاری بر سر سلاح اتمی و کل کشمکش اسلام سیاسی با آمریکا و متحدانش نجات بدهد.

گزارشی از مریوان

مردم فداکار و دلسوزشهر و روستاهای مریوان که همیشه کمونیستها را مورد حمایت و پشتیبانی قرار داده اند در تهیه آذوقه و تدارکات این واحدها بیدریغ کمک کرده اند. نقل و انتقال های نیروهای سرکوبگر را به اطلاع رهبران مورد اعتماد خود رساننده اند. جوانان نقش اصلی را در این حمایت های صمیمانه بعهده داشته اند. خیلی از جوانان تلاش میکنند خود را به این واحد رساننده و از نزدیک عبدالله دارابی و مجید حسینی و دیگر رفقای گارد آزادی را ملاقات کنند.

خبر این حضور بسرعت در شهر و اطراف پخش شده و مردم از اینکه در این شرایط

بمحض اینکه مردم شهر و روستاهای مریوان از حضور رهبران محبوب خود که بیش از سی سال است در کنار و همراه و همدوش آنها بر علیه ستم و بی عدالتی و رژیمهای سلطنتی و اسلامی مبارزه میکنند باخبر شدند. شور و شغفی آنها را فرا گرفت. بسرعت پیام کتبی آنها در شهر و تمام محلات شهر پخش شد. جوانان حضور آنها را در منطقه به همه اعلام کردند. منشور سرنگونی جمهوری اسلامی منتشره از حزب حکمتیست و سایر ادبیات این حزب را در سطح شهر و حومه چاپ و تکثیر نمودند. جوانان در شهر این حضور را بهمیدر تبریک میگویند.

فکر میکرد دیگر میتواند نقش راحتی بکشد و از نظر خود این کشمکش را بعد از یکماه رویارویی با مردم توانسته رد کند. واحدهایی از نیروهای گارد آزادی حزب حکمتیست با حضور رهبران شناخته شده مبارزات مردم، مجید حسینی و عبدالله دارابی وارد حومه شهر مریوان شدند.

هدف حضور رهبران حزب حکمتیست و واحدهای گارد آزادی تقویت مبارزات رو به گسترش مردم و سازمان دادن این مبارزات و ایجاد اتحاد و همبستگی بیشتر مردم آزادیخواه و تحکیم رابطه حزب حکمتیست و مردم در این دوره حساس است.



صالح سرداری

حضور عبدالله دارابی و مجید حسینی و واحدهای گارد آزادی در حومه شهر مریوان مایه سرور و خوشحالی مردم شده است. درست چند روز بعد از اعتصاب عمومی یکپارچه شهرهای کردستان که رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

تمام دستگیر شدگان باید فوری آزاد شوند!



خالد حاج محمدی

به کمپین ما برای آزادی دستگیر شدگان بپیوندید! تا کنون و در جریان اعتراضات مردم در شهرهای کردستان صدها نفر دستگیر و در زندانند. مراکز اطلاعاتی و انتظامی در این مدت و به بهانه اعتراضات اخیر و برای ایجاد رعب و وحشت در جریان خانه گردیها صدها نفر دیگر را دستگیر و روانه زندانها کرده اند. مقامات رژیم از این فرصت استفاده کرده و تعدادی از شخصیتها و فعالین شناخته شده را نیز به زندان انداخته اند. زندانهای رژیم در شهرها پر از انسانهایی است که جرمی جز اعتراض به توحش و بربریت ندارند. برهان دیوارگر فعال کارگری و شخصیت شناخته شده را در همین اوضاع و به جرم عضویت در کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای آزاد کارگری، عضویت در هیئت مؤسس تشکل سراسری بیکاران، دبیر کانون دفاع از حقوق کودکان، برگزاری مراسم مستقل کارگری در اول مه ۸۳ و ... دستگیر و شدیداً شکنجه کرده اند و تا کنون جز چند

لحظه تماس تلفنی همسرش مریم اخضر پور، کسی از بستگانش اجازه ملاقات نداشته است. رویا طلوعی سر دبیر ماهنامه راسان و از فعالین کانون زنان کرد دستگیر و طبق اطلاع تنها یک بار به خانواده اش اجازه ملاقات داده و بدنبال ممنوع الملاقات است. اسماعیل کاظمی کارگر سرشناس شاهر را نیز مدتی بازداشت کردند. شبانه به منزل آزاد زمانی دبیر کانون دفاع از حقوق کودکان ریخته و تمام اسناد این کانون را همراه خود برده اند. سعید ساعدی و جلال قوامی و دهها انسان دیگر را زندانی کرده اند. تمام دستگیر شدگان شدیداً شکنجه شده و هیچ حقوقی را عملاً برای آنها برسمیت نشناخته اند.

تا کنون تعدادی از زندانیان را بطور پراکنده با وثیقه های سنگین آزاد کرده اند. برای هر نفر که آزاد شده است از ۲ تا ۵ میلیون پول تعیین کرده اند. دستگیری و شکنجه و بی حرمتی کافی نیست، میخواهند باجگیری آشکار را نیز بار مردم کرده و از این کانال هم پول هنگفتی به جیب بزنند. مردم!

جوانان، زنان کارگران! در مقابل این توحش آشکار جمهوری اسلامی باید ایستاد. زندانی کردن مردم به جرم اعتراض به فقر و بی حقوقی و کشتن و زندان، به جرم

دفاع از حقوق زنان و کودکان و کارگران، به جرم ابراز نظر و عقیده، جنایت و بربریت آشکار علیه مردم است. جمهوری اسلامی میخواهد با این اعمال وحشیانه کشتی در گل نشسته حکومتش را نجات دهد. میخواهد مردم معترض را به سکوت و به قبول و تحمل ادامه جنایات خود وادارد. صدها نفر در زندان شکنجه میشوند تا همگی ما از اعتراض و از دفاع از ابتدایی ترین حقوق خود دست برداریم. قرار است این اعمال جنایتکارانه وجدان آگاه ما را به سکوت و قبول تحقیر و توحش اسلامی وادارد. اینها را زندانی کرده و شلاق میزنند تا همگی ما را سرافکنده به قبول ذلت و خواری وادارند. نباید این را قبول کرد. سکوت مجاز نیست و علیه این بربریت باید ایستاد.

مردم! اعتراض به زندانی کردن عزیزان ما، اعتراض به شکنجه و تحقیر و توهین به آنها وظیفه همگی ماست. تمام دستگیر شدگان باید فوری آزاد شوند. این خواست عادلانه همگی ماست. به هر شیوه که میتوانید به زندانی کردن این صدها نفر اعتراض کنید. همراه خانواده دستگیرشدگان در مقابل زندان و دادگاه و فرمانداری و هر جا که مناسب میدانید تجمع کنید. توامر اعتراضی

جمع کنید، یک ساعت از کار دست بکشید و هر ابتکار دیگری که مناسب میدانید به کار برید. تمام زندانیان فوری و بدون قید و شرط باید آزاد شوند.

خانواده دستگیر شدگان! با هم متحد شوید و به کمک هم و در همکاری و مشورت با هم دست به حرکت اعتراضی بزنید. روز ملاقاتها را به زمان ابراز اعتراض خود تبدیل کنید. با هم ارتباط بگیرید، از میان خود کسانی را به عنوان نماینده تعیین کنید تا از کانال آنها ارتباطات محکمی با هم داشته باشید. مقامات رژیم هر بار تنها چند نفر را با وثیقه آزاد میکند، هر روز به چند خانواده قول میدهند و تلاش میکند شماها را متفرق کند. تلاش میکند مانع اتحاد شما شوند. هیچ وثیقه ای را قبول نکنید، کسانی که در زندانند مجرم نیستند. این مقامات رژیم و کسانی که عزیزان شما را زندانی کرده اند مجرم اند. اتحاد شما و اعتراض شما نقش تعیین کننده دارد. هر جا محل تجمع مردم است، هر جا که امکان حضور بیشتر مردم است را برای محل اعتراض خود، برای محل تحصن خود تعیین کنید. مردم از شما و از خواستههای شما دفاع خواهند کرد. مردم شما را مورد پشتیبانی قرار خواهند داد. خواهان آزادی همه دستگیر شدگان شوید. تومار اعتراضی بنویسید و

محل به محل و شهر به شهر برای آزادی تمامی دستگیر شدگان امضا جمع کنید. تا تمام زندانیان آزاد نشوند یک لحظه هم نباید ایستاد. مردم با ما هستند، ما آزادی میخواهیم، رفاه و امنیت میخواهیم، حفظ حرمت و کرامت انسانی خود را میخواهیم و این خواست همه مردم ایران است. مردم!

جوانان، زنان، کارگران! ما حزب حکمتیست برای آزادی تمام دستگیرشدگان از هیچ تلاشی دریغ نخواهیم کرد. برای آزادی آنان کمپینی اعلام کرده ایم و صدای اعتراض شما را به جهانیان خواهیم رساند. ما همراه شما و برای آزادی تمام زندانیان تلاش خواهیم کرد. با ما باشید و همراه ما و به کمک هم جمهوری اسلامی را سر جایش بشانیم. ما در این راه از هر تلاشی از جانب تمام احزاب و جریانها و نهادهای انسان دوست استقبال خواهیم کرد. با ما تماس بگیرید. اخبار زندانیان و اعتراضات و اقدامات خود را بدست ما برسانید. دوره قلداری این رژیم تمام شده است. اکنون زمان تعرض ماست. تمام زندانیان بی درنگ و بی قید و شرط باید آزاد شوند.

خالد حاج محمدی

khaledhaji@yahoo.com

به سازمان جوانان حکمتیست بپیوندید!

کمک مالی به کمیته کردستان حزب

علی شریفی ۱۰۰۰ کرون

علی شریفزاده ۶۰۰ کرون

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری — حکمتیست

دبیر: حسین مرادبیگی (جهه سور)

h_moradbiegi@yahoo.com
Tel: 00447960233959

اکتبر

چهارشنبه ها منتشر میشود، اکتبر را تکثیر کنید و آنرا بدست دوستان و آشنایان خود برسانید!

اکتبر

سردبیر: عبدالله شریفی

sharifi_abdollah@yahoo.com Tel: 00467369752 26

دستیار سردبیر: اسماعیل ویسی
esmail.waisi@gmail.com

به حزب کمونیست کارگری-حکمتیست بپیوندید!

مردم عراق زیر منگنه مثلث ارتجاعی! (پیرامون مضحکه قانون اساسی)



عبدالله شریفی

الصاق القایی مانند جمهوری، قانون اساسی، دولت و غیره به سناریویی که در عراق جاری است، بزرگترین اهانت به شعور جامعه بشری است. آنچه طی این سالیان در عراق میگذرد تاخت و تاز ارتجاعیترین جریانات نظامی و مذهبی و قومی است که جامعه عراق را به نابودی کشانده است. پرده پشت پرده، فاز بعداز فاز، کشمکش های خونین میلترایسم آمریکا، اسلام سیاسی و جریانات قومی، جان و زندگی و فرهنگ و تمدن مردم این سرزمین را به اعماق جهنم نابودی سوق داده است. تازه ترین نمایش تخریب جامعه عراق، تحت عنوان تدوین قانون اساسی هم اکنون روی صحنه است.

طبق جدول زمانی قرار بود که ۱۵ اوت، داستان قانون اساسی کارش تمام شده باشد، مذاکرات و معاملات آشکار و پنهان، بیا و بروها، ترور و حذف فیزیکی همدیگر، اشکال متنوع رقابت های جریانات دست اندرکار برای سرهم بندی این ماجرا بود، تا سرانجام بقول خودشان در دقایق پایانی در فضای پر عداوت در میان کوهی از تخاصمات و

تناقضات لاینحل، ناچار شدند که هفته ای دیگر این لغت و لیس را به تاخیر اندازند.

اظهارات متناقض اعضا کمیسیون قانون اساسی، نشانه ای از اوضاع درهم و به هم ریخته جریانات قومی و مذهبی است. جریانات ناسیونالیست کرد، از فدرالیسمشان عقب نشستند، از اسطوره "فدرال" بر تارک اسم دولتشان صرف نظر کرده اند، اسلامیهام قبول کرده اند که پسوند اسلامی حذف شود، ظاهرا بهانه جویی اسلامیهام با حفظ موازنه دست بالا، به تعویق انداختن بحث بر سر مسله کرکوک را هم به جریانات قومی کرد تحمیل کرده اند، ماجرای کرکوک نیز همان گونه حل نشده به بعد موکول شده است. در حالی که رهبران جریانات ناسیونالیست کرد مدعی هستند که مذاکراتشان با جریانات دیگر خوب پیش رفته است، در همان حال صالح المطلق عضو دیگر قانون تدوین قانون اساسی میگوید که هنوز چندین مسئله کلیدی و هزاران اختلاف ریز و درشت بی نتیجه و لاینحل باقی مانده است. جعفری بعداز دیدار با سران رژیم ایران محصولات بیت آقا را بصورت داعیه فدرالیسم اسلامی در جنوب و مرکز به بازار عرضه کرده است. عبدالعزیز حکیم رهبر جریان مجلس اعلی اسلامی بعداز دیدار با سیستم خواهان به رسمیت شناسی حکومت فدرال شیعیان در جنوب و

مرکز عراق میباشد، در این رابطه خدم و حشم خود را گسیل داشته اند تا بسیج کنند، عقیل خزعلی استاندار کربلا در حال تدرک امارت اسلامی در نجف و کربلا است.

حقیقت این است که در این داد و ستد اسلامیهام ضرر نکرده اند، طبق پیشنویس قانون اساسیشان، قانون اساسی است، از هم اکنون حاکمیت جریانات تروریستی اسلامی بر بخش وسیعی از عراق سایه شوم خود را گسترانیده است. جریانات ناسیونالیست کرد مهر دست پایین بودن آمریکا در مقابل جریانات اسلامی را بر پیشانی دارند، اگر چه اینها هم تلاش میکنند که وضع موجود را حفظ کنند

این مرحله نیز مانند سایر ترندهای سناریوی سیاه در عراق، در موقعیت بی افقی و سردرگمی آمریکا وارد حیات خود شده است، معمولا چنین نقاطی در دل اوضاع بحرانی و بی ثباتی، همراه خود دور جدیدی از بی ثباتی میافریند که از دوره های قبل وسیع تر و دامنه دارتر است و به همین دلیل اوضاع موجود بر بی ثباتی و پیشروی مسیر قهقرا و تشدید روند خشونت بار به جلو خواهد رفت.

آنچه در عراق میگذرد جدال بر سر قانون اساسی نیست، نه محتوی نزاع و نه نتیجه آن ربطی به قانون ندارد. قانون را برای اداره جامعه تدوین میکنند، مستبدترین نوع دول، قانون را برای راه انداختن چرخ اقتصاد، نظم برای

سرکوب و استثمار و بالاخره برای کاری که به نوعی به سروسامان بخشیدن جامعه و حیات جامعه مربوط باشد، قانون تدوین میکنند، در عراق اما، روزی رئیس جمهور، روزی قانون، روزی پارلمان، بدون هیچ ربطی به محتوی القاب و الفاظ، محملی جهت تقابل جبهه هاع فوق ارتجاعی سیاست در سطوح کشوری، منطقه ای و حتی جهانی میشوند. اسلام سیاسی و آمریکا در عراق، در فلسطین و ایران، در جدالهای مرتبط به هم دارند کنگار میروند.

تاکنون اسلام سیاسی، جریانات اسلامی، رژیم اسلامی ایران، آمریکا را در تسلط بر موقعیت عراق ناتوان کرده است. تصادفی نیست که از مجرای نزاع قانون اساسی، طرح فدرالیسم اسلامی و حکومت فدرال شیعیان در جنوب و مرکز عراق به میدان میاید، روشن است که این طرح از تولیدات و صادرات جمهوری اسلامی ایران است.

سرانجام قانون اساسی تدوین شود یا نه، عراق اسلامی، قومی، عراق اشغالی، عملا محل بی حقوقی شهروندان، محل بیحقوقی زنان، مکان ترور و جنگ و انفجار، سرزمین فقر و باروت و جهالت، میدان تفرقه و کینه و نفرت و محل ناامنی است که روزانه دهها نفر از مردم عراق را قربانی میکند. اینها جایی که دستشان برسد مانند جریان خودگمارده بر سلیمانیه، بر روی مردم تظاهرات کننده و

کارگران بیکار اسلحه میکشند، جایی که دستشان بند باشد در خفا ترور و انفجار و تخریب راه می اندازند.

این مرحله نیز بخش تفکیک ناپذیر پروسه ویرانسازی عراق است. بازیگران، باندهای تبهکار فوق ارتجاعی هستند، بازیگران مانند خود بازی موقت و سردرگم هستند. دوره انتقال و تغییر نیست، ادامه روند خونینی است که میتواند جامعه را در کام نابودی فرو برد.

بی شک نتیجه ماجرای معاملات و مهمات قانون اساسی، باز شدن دور جدیدی از جنگ و کشتار و ویرانگری است، در این میان نصیب مردم عراق فلاکت و فقر و جنگ بیشتر خواهد بود.

اگر چه اینها نیروهای با ثبات جامعه نیستند اما میتوانند سالها بر ویرانه جامعه عراق بر سرو کله هم توپ و خمپاره بزنند و فلاکت و نابودی بیشتر را به مردم تحمیل کنند. این معضلات را باید توسط مردم آزادیخواه و با نیروی مردم به فرجام رساند. باید قطب متمدن جامعه را برای پایان دادن به این جهنم بسیج کرد و در مقابل این سناریو، سناریوی جهان متمدن و مردم آزادیخواه را قرار داد. باید رژیم اسلامی ایران را با قیام مردم برچید، باید ریشه این توحش را خشکاند. c

رهبران کمونیست در میان مردم

نظیر مردم ترک کردند. جزئیات بیشتر این حرکت موفق را در اطلاعیه های بعدی به اطلاع میرسانیم. درود بر رهبران کمونیست درود بر گارد آزادی کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

2 مرداد 1384 - 15 اوت 2005

نوجوانان به استقبال آنها و واحدهای گارد آزادی آمدند. جمعیت وسیع و پر شور دورشان حلقه زدند. عبدالله دارابی و مجید حسینی از بلندگوهای مسجد دو روستا برای حضار سخنرانی کردند. تشریفات و ادبیات حزب و پیام کتبی عبدالله و مجید وسیعا پخش شد. در پایان واحدهای گارد آزادی و رهبران حزب حکمتیست در هماهنگی با هم هر دو روستا را در میان شور و شوق بی

آزادی رفقا خالد علی پناه، ینی کریمی، سردار نگلی و کمال مربران واحدهای گارد آزادی را در آرایشی مناسب سازمان داده و به دو بخش تقسیم شده و بخشی به همراه عبدالله دارابی و بخش دیگر به همراه مجید حسینی وارد این روستاها شدند. به محض اطلاع مردم از حضور چهرهای محبوب و آشنای 30 سال مبارزه انقلابی مردم مریوان و منطقه زنان و مردان و جوانان و

در ادامه حضور سیاسی رهبران حزب حکمتیست در میان مردم مریوان امشب ساعت 8 مجید حسینی و عبدالله دارابی به طور همزمان وارد دو روستای چور و نه نه شدند. روستاهای چور و نه نه واقع در محور اصلی سنندج، مریوان و در نزدیکی بزرگترین پایگاه رژیم در بیه که ره موقعیت حساس نظامی دارند. به این منظور فرماندهان و کادرهای با تجربه و کاردان گارد

ساعتی قبل روستاهای "چور و نه نه" واقع در کنار یکی از بزرگترین پایگاههای نظامی رژیم در "بیه که ره" به طور همزمان پذیرای مجید حسینی و عبدالله دارابی و چندین واحد گارد آزادی بودند. استقبال زنان، مردان، جوانان و نوجوانان این دو روستا از رهبران و چهره های آشنای سه دهه مبارزات خود و از واحدهای گارد آزادی بی نظیر بود.

آخرین ایستگاه یک زندگی پر تلاش و انسانی!

برای موسی معلم خوبی در سیاستم حالا نه فقط به این اشتباه خود، بلکه به این می اندیشم که آیا میتوانم شاگرد خوبی در آموختن از اینهمه خصوصیات به شدت انسانی، اجتماعی و صمیمی او باشم؟ موسی، خیلی دوستت دارم، خیلی خیلی و کاش زودتر، و به تو، بیشتر اندیشیده بودم کاش

و حالا که دارم به پایان میرسم، به یاد میآورم در پاسخ به پیامهای تلفنی، ایمیل های دوستان، پیامهای رسمی و خصوصی رفقا و عزیزان در حزب حکمتیست، حزب کمونیست کارگری ایران، کومه له و حزب کمونیست کارگری عراق و شخصیتهای مختلف بگویم خیلی متشکرم درود بر شما به مردمانی که موسی از میان شان برخاسته بود، و به هزاران نفر از نرده و شهرهای مختلف که در مراسم یاد این عزیز شرکت کردند و به مادرم پور زینب، حلیمه خانم همسر موسی، فرزندانش سیروان، کامران، کیوان و سامان، و خواهرانم زینا، زهرا، ملک، و خانواده های شان و بقیه بستگانمان و رفقای نزدیک موسی محبت فراوان کردند، از صمیم قلب تشکر کنم و درود بفرستم همه شما را دوست دارم

کمونیسیم و آزادیخواهی تبدیل شد از نمونه های برجسته انسانهای آزادیخواه و برابری طلب شد زن، مرد، پیر و جوان در مراجعه اش به این انسان به شدت صمیمی، همه برای خود رفیقی برابر و ملامت از احترام به خود می یافتند از نمونه تیپیک نسل قبلی بود که با نسل جوان تر امروز رابطه ای داشت در نوع خود نادر

در مورد موسی باید بعدا به تفصیل بنویسم حالا که غیبت ناگهانی اش را می بینم، احساس میکنم تعمق در خصوصیات این انسان بزرگ برای خودم بیش از هر کس درس گرفتنی است دارم از خود سوال میکنم اگر مرگ میتواند، این اندازه ناگهانی سراغ انسان بیاید، آیا نباید بر زندگی تا به امروز مروری دیگر کرد، و به گسترش انساندوستی عمیق تر، کمونیسیم و احترام به هموع، میگویم به هموع، یعنی به هر کس، یکبار دیگر اندیشید؟ دارم به این می اندیشم چگونه میتوان مثل موسی سازش ناپذیر بود در سیاست و آرمان و اهداف سیاسی، در عین حال نه فقط در میان هممنظران، که در میان سرسخت ترین مخالفین سیاسی دارای احترامی بالا، و دوستان فراوان و صمیمی بود؟ خیلی وقتها احساس میکردم

با این سنت بشدت بیگانه بود جالب اینکه به دلیل همین احترام فوق العاده دیگران، همه، به او، خود رژیم هم از ایجاد مزاحمت به او احساس مشکل میکرد خونسردی، متانت، تعمق، انصاف، صراحت، صداقت و صمیمیت فوق العاده در رفتار وی با دیگران، با هر کس، از او فردی ساخته بود که به شخصیتش غبطه میخوردم این را نه فقط به خودش، به دور و بریها هم بارها گفته بودم

منتها واقعیت این است که او این رفتار و خصوصیات را از قبل از ورود به سیاست هم داشت همین موجب شد که از روز اول ورودش به صفوف کومه در اوایل جنگ در کردستان، احترام بالای همه را به خود جلب کند تا سال ۱۳۶۳ در صفوف پیشمرگان بود، فرمانده نظامی واحدی شد و بعدش این میدان را ترک کرد ورودش به سیاست بدون اسلحه خصوصیات اجتماعی او را برجسته تر نمایان ساخت با رشد کمونیسیم در کردستان و تحولات سیاسی در جهان و ایران، او هم پیچیدگیهای فکری کمونیسیم انسانی تر را به تجارب و خصوصیات برجسته اش اضافه کرد، و در مناطق اطراف شمال کردستان به نقطه امید بالایی برای

خوابم به خودم ثابت میکنم که نه خواب نیستم بیدارم و حالا که ساعت بعد از نصف شب است و من ظاهرا بیدار، هر چه تقلا میکنم نمیتوانم به نقطه شروع برسم

بعد از مرگ منصور حکمت بود که احساس کردم دیگر نمیتوانم آرزوی مرگ برای کسی بکنم در برابر سفارت رژیم در لندن تظاهرات داشتیم، از طرف عده ای مورد انتقاد قرار گرفتم که چرا شعار مرگ بر خامنه ای و خاتمی نمیدم گفتم علاقمندم در صورت اصرار بلندگو را از دستم بگیرد ولی نمیتوانم دیگر برای دشمنانم هم آرزوی مرگ کنم حالا بعد از مرگ موسی احساس دیگری هم به آن اضافه شده و آن اینکه چگونه کار سیاسی کنم که مورد تفرق دشمنانم هم قرار نگیرم موسی چنین فردی بود از همه شنیده ام که مخالفین سرسخت سیاسی اش هم احترام بالایی برایش قایل بودند احترام شدیدش به هموع کاری میکرد که در عین مخالفت شدید با طرف، کماکان مورد احترام فوق العاده بالایی قرار بگیرد این نوع سنت در چپ استثناست رفتار غیر اجتماعی، تبلیغ غیر اجتماعی، و ازمن می پرسید کمتر انساندوستانه، در میان چپ، انسانها را به جای جذب دفع میکند موسی



از محمد فتاحی

عبداله شریفی خواهش کرد چیزی در مورد عزیز از دست رفته ام موسی فتاحی بنویسم حالا که شروع کرده ام حقیقتا احساس میکنم نمیانم از کجا شروع کنم. در نظر بگیرید نزدیکترین فرد، برادر و رفیق و دوست در زندگی طولانی خانوادگی را از دست داده اید و حالا میخواهید در موردش چیزی کوتاهی بنویسید خود را به جای من بگذارید و شروع کنید نمیدانید و نمیتوانید من که نمیانم و نمیتوانم از کجا آغاز کنم چند روز گذشته هر گاه میخواهم با خانواده برادرم تلفنی صحبت کنم برابرم ملموس نیست که او دیگر نیست

بارها در این چند روز برایم پیش آمده فکر کنم که بگی واقعا خواب نباشم آخر خیلی وقتها خواب میبینم در مورد واقعه ای و در خود خوابم از خودم می پرسم که نکند خواب باشم و بعد در خود

مراسم باشکوه بزرگداشت انسان آزادیخواه و چهره محبوب مردم، موسی فتاحی

خانواده و بستگان و دوستان موسی و تمامی مردم منطقه که دفاع از حرمت و حقوق مدنی آنان جز همبسته ای از زندگی کوتاه اما پربارش بود، صمیمانه تسلیت میگویند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۴ اوت ۵
مرداد ۴

این مراسم که هم اکنون ادامه دارد در نوع خود و در گرامیداشت یک چهره آشنا و مبارز و کوشنده راه دفاع از حقوق و آزادیهای مردم کم نظیر بوده است. موسی فتاحی روز گذشته در جریان یک حادثه تصادف ماشین در مسیر حرکت به ارومیه جان باخت.

کمیته کردستان حزب حکمتیست بار دیگر این فقدان بزرگ و این غم سنگین را به

کردن مردم زحمتکش منطقه اشاره شد.

جمعیت پس از خاکسپاری موسی فتاحی برای برپائی مراسم گرامیداشت این کمونیست شناخته شده و محبوب مردم به شهر نقده رفتند و در یکی از مساجد شهر تجمع کردند. صحن مسجد و سالنهای درون و اطراف آن ملو و سرشار از جمعیت نقده و شهر و روستاهای دیگر شده است.

مراسم خاکسپاری او انجام شد. در جریان مراسم خاکسپاری در بزرگداشت این چهره محبوب و دلسوز مردم زحمتکش که خود از صفوف آنان برخاسته بود، شعرخوانی و سخنرانی ایراد گردید که به آزادیخواهی، برابری طلبی و انسان دوستی و جوانب دیگری از نقش برجسته این انسان مبارز و آزادیخواه و دلسوز مردم در آگاهی و متحد



امروز پس از انتقال جسد موسی فتاحی از ارومیه به روستای زادگاه او، قالاتان، جمعیتی بالغ بر نفر از مردم قالاتان و شهرهای اطراف در میان غم و اندوه سنگین،

اکتبر ضایعه از دست دادن موسی فتاحی را به محمد فتاحی، فرزندان و همسر موسی عزیز، سایر بستگان و دوستان او، مردم مبارز اشنویه، نقده، پیرانشهر از صمیم قلب تسلیت میگویند و خود را در این اندوه بزرگ سهیم میدانند.

در گرامیداشت شخصیتی کمونیست، موسی فتاحی!



رسول بناوند

خبر چه ساده بود، تنها یک جمله که از آنسوی تلفن، صدای غمگین رفیق خالدهنوز در گوشم طنین افکن است. چه ساده اما چه تلخ، باور نکردنی و چه سنگین! در حالیکه سوالات کی، کجا، چرا در میان بغض جاری میشد، تصاویر در مغزم جابجا می شدند. در همان لحظات اول خاطراتش سرعت در ذهنم رژه میرفتند. بعد آن به یاد انتظارات و توقعاتی که درمقابلش بود افتادم، دنیایی که موسی برای تغییرش در تلاش بود. آنچه موسی بود و می بایست باشد، ذهنم را اشغال کرد. اما با حساس تلخی میبایست باور کنم که موسی دیگر نیست، قلبم بشدت

گرفت، چهره صمیمی و دوست داشتنیش درمقابلم مجسم شد. متانت، وقار و صلاحیت نگاه مهربانش چه دوست داشتی بود. خنده هاش، شوخیهایش و آنچه آخرین بار بهم گفته بودیم. به مادرش خاله زینب [پوره زینب] زنی با کلام استوار، جدی و مصمم، بی باک و با شهامت و در همان حال صمیمی و خوش قلب فکر کردم. زنی که با همه مشقت و سختی زندگی روستایی با روحیه آزادیخواهی و انساندوستی و چهره یک انسان حقیقتجو، ضد ستم و خرافه، و امروز تکیه گاه اصلی زندگی را از دست داد. به خواهرش زن آزاده ای که با همه سختیها و ناکامی های فراوان در زندگی، اما همچنان استوار، که موسی نزدیکترین یارو مشوق زندگی بود و همسرش و پسرانش اندیشیدم که از دست دادن نزدیکترین عزیزشان چه مصیبت بزرگی است. آری خبر ساده بود در تصادف

ماشین جاننش را از دست داد. اما چه سخت می توان پذیرفت و باور کرد. نمی توان باور کرد چرا که خلا نبودش با دهها سؤال چه خواهد شد! بغرنج تر از باور کردن است. نمی توان پذیرفت چرا که غیر از نزدیکانش نگاههای بیشمار در انتظار حضورش هستند. خیر مرگش سرعت از نقه تا سقزو سندرگ، تا ارومیه و تهران پیچید. آنها که با فعالیت دوران جوانی او آشنایی داشتند خاطره جوانی پر شور و انقلابی، صمیمی و فداکار برایشان زنده شد که در جمع یارانش در صف کومه له همیشه محبوب، مورد انکاء و اعتماد بود. اما شخصیت موسی را باید در دل تحول دو دهه اخیر جامعه کردستان و ایران شناخت. در دل جنبش عظیم آزادیخواهی برای رهایی از چنگال یکی از هارترین رژیمهای سرمایه، جنبشی که بوسعت جامعه ایران برای رهایی و آزادی و برابری به

ارتجاعی و سنتی او را می بینید. موسی سالها بود بعنوان چهره مبارز و محبوب مورد احترام توده وسیعی از مردم منطقه بود. در مراسم خاکسپاری و گرامیداشت او هزارن نفر از شهرهای مختلف کردستان حضور داشتند و با احترام و با شعارهای زندیاد آزادی زنده باد برابری، زنده باد سوسیالیسم با او وداع گفتند. از دست دادن موسی برای خانواده اش، مادرش، برادران و خواهرانش ضربه بیشک جبران ناپذیری خواهد بود. اما در این راه مردم منطقه رهبری مبارز و محبوب و جنبش چپ و کمونیست کردستان از وجود یکی از چهره های روشنیین، استوار و محکم خود محروم خواهد شد. برای من از دست دادن دوست دیرینه، رفیقی عزیز و شخصیتی است که کمبودش را همیشه احساس خواهم کرد.

پیام همدردی و تسلیت به محمد فتاحی و بستگان جان باخته موسی فتاحی، جمع زیادی از شخصیتها ی سیاسی و اجتماعی به ماریسیده است که در آن میان میتوان از پیامهای کورش مدرسی لیدر حزب حکمتیست، ریبوار احمد لیدر حزب کمونیست کارگری عراق، فاتح شیخ رئیس دفتر سیاسی حزب حکمتیست، رحمان حسین زاده رئیس هیئت دبیران حزب حکمتیست، حسین مراد بیگی (حمه سور) دبیر کمیته کردستان حزب حکمتیست، مظفر محمدی عضو دفتر سیاسی حزب حکمتیست و..... را نام برد.

رهبران کمونیست در میان مردم

پیام مشترک مجید حسینی و عبدالله نارابی و سند منشور سرنگونی وادبیات حزب در تیراژ زیادی پخش شد. روز بعد از حضور گارد آزادی در حومه شهر و روستای لنج آوا جمهوری اسلامی آماده باش شدید تری به خود گرفت و هلی کوپترهای نظامی بر فراز حومه شهر به پرواز در آمدند. حضور رهبران حزب حکمتیست و گارد آزادی وسیعا در میان مردم پخش شده و با استقبال گرم مردم روبرو است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست - 2 مرداد ماه 1384 - 15 اوت 20054

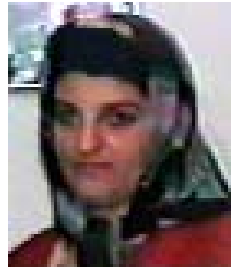
مورد شکایات التیماتیوم داد که دست از همکاری با رژیم بردارند و سرنوشت خود را به این رژیم بیش از این گره نزنند. از فرد مورد شکایت خواست از مردم معذرت خواهی کند و اعلام کند به همکاری با رژیم ادامه نمیدهد. فرد مذکور در مقابل مردم چنین کرد. بخش دیگری از صحبت های مردم سئوالاتی در باره احزاب ناسیونالیست حاضر در کردستان بود. مجید حسینی و عبدالله نارابی و دیگر رفقا با حوصله در مورد ماهیت این احزاب و سیاستهای ضد انسانی ناسیونالیسم برای مردم صحبت کردند. مردم را به انتخاب آترناتیو آزادیخواهانه و حزب حکمتیست فراخواندند.

کرمی، کمال رضایی (مربزان) و سردار نکلی بعد از آرایش دادن منظم واحدهای گارد آزادی در مناطق حساس و اطراف روستا و محلات ورودی جهت تامین امنیت اجتماع مردم، خود نیز در میان جمعیت حاضر شدند و پای صحبتها ی مردم نشستند. مردم با روحیه و با جسارت بخشا شکایات خود را از کسانی که با رژیم همکاریهایی دارند. مطرح میکردند. در یک مورد نزد خالد علی پناه شکایت از یکی از همکاران اطلاعات رژیم طرح شد که در میان جمعیت حاضر بود. خالد علی پناه در صحبت کوتاهی پایان کار جمهوری اسلامی را ترسیم کرد. به همکاران رژیم و فرد

روستای لنج ناوا [لنج آباد] که در 3 کیلومتری شهر مریوان و پانگان رژیم قرار دارد، وارد شدند. بعضی ورود آنان به روستا مردم دسته دسته و بویژه جوانان این روستا به استقبال آنان رفتند. به محض اطلاع مردم از حضور رهبران محبوب خود عبدالله نارابی و مجید حسینی در میان نیروهای گارد آزادی شور و شوق زیادی در میان جمعیت حاکم شد. به دنبال 2 بار سخنرانی عبدالله و مجید جمعیت حاضر بحث و گفتگوهای چند نفره را با رهبران و کادرهای حزب حکمتیست ادامه دادند. فرماندهان و مسئولین گارد آزادی رفقا خالد علی پناه، یدی

اطلاعه شماره کمیته کردستان حزب حکمتیست *رهبران حزب حکمتیست به مشکلات و شکایات مردم رسیدگی میکنند. * به دنبال التیماتیوم خالد علی پناه از فرماندهان گارد آزادی یکی از همکاران اطلاعات رژیم از مردم معذرت خواهی کرد. * به دنبال حضور گارد آزادی هلی کوپترهای نظامی جمهوری اسلامی بر فرازحومه شهر مریوان به پرواز در آمدند. در اطلاعیه شماره 1 به اطلاع رساندیم، عبدالله نارابی و مجید حسینی از اعضاء رهبری حزب حکمتیست شنبه 22 مرداد ماه تحت حفاظت واحدهای گارد آزادی حزب حکمتیست به

چه کسی در این مملکت جواب من را میدهد! کودک ۸ ساله ام پدرش را میخواهد!



مریم اخضر پور

خود بانی بدبختیهای ما هستند اضافی است. اما از کارگران و مردم انتظار دارم از من و کودکم و حقوق انسانی ما، از برهان دیوارگر و حقوق انسانی و کارگری او دفاع کنند. من یکی سکوت نخواهم کرد و به این بربریت که علیه من و کودکم، که علیه شوهر عزیزم، که علیه طبقه کارگر و همه محرومان و پایین شهرها میشود اعتراض دارم. برهان دیوارگر مجرم نیست، کارگری است که حق خود را میخواهد. کارگری است که به فقر و بیکاری و فلاکت و محرومیت اعتراض دارد. به این جرم اکنون در زندان است و از سرنوشت و سلامتی او هیچ خبری ندارم. برهان باید آزاد شود. تا او در زندان است صدای من برای دفاع از او، برای دفاع از کودکم و برای دفاع از حرمت انسانیم قطع نخواهد شد.

۲۶ مرداد ۱۳۸۴

حالی نیستند. تمام زندگیم به این بردگی و این بربریت اعتراض داشته و دارم. برهان دیوارگر تلاش کرد همراه من و تعدادی دیگر از دوستان و همکارانش کارگران بیکار را جمع کند و زیر تشکلی برای دفاع از زندگی و حرمت انسانی شان متحد کند. برهان تلاش کرد در کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای آزاد کارگری از حق کارگر و اتحاد و تشکل کارگر دفاع کند. او تلاش کرد از حقوق کودکان دفاع کند و در مقابل کودک آزاری و زدن و کشتن کودکان همراه هزاران انسان شریف و انساندوست مانعی ایجاد کند. امروز و در اولین قدم از زندان سر در آورد. دستگیری و زندانی کردن و محاکمه کردن برهان محاکمه تمام بیکاران این مملکت، محاکمه تمام کارگران است. محاکمه برهان و ربودن و زندانی کردن او تف کردن به حقوق کودکان است. اما انتظار از بالاشهرها، از رئیس روسای این مملکت که

در خواست ملاقات کرده ام. آقای محترمی که حاضر نیست اسم خود را فاش کند به من میگوید تا یکشنبه نباید اینجا بیایید. ایشان شکم خود و بچه هایش سیر است. خونه و زندگی تکمیلی دارد و حالیش نیست که من باید کرایه خانه ام را پرداخت کنم و صاحب خانه اسباب اساسیه ام را بیرون می اندازد. ایشان حالیش نیست که من باید جواب کودک ۸ ساله ام را بدهم که پدرش را میخواهد، که باید خرج و مخارجش را تامین کنم. فردا خود این آقای محترم پشت میز دادگاهش من را به جرم نپرداختن کرایه خانه و پول آب و برق محاکمه خواهد کرد. بالاخره در این مملکت بی صاحب چه کسی جواب من و کودکم را میدهد؟ فردا در مقابل بیمارستانان تا پول و هزینه دکتر و درمان را نپرداخته ام، باید از درد زایمان بمیرم! باید مرگ جان خود و جنینم را تهدید کند. اینها را بالا شهرها و روسای این مملکت

کرده اند. سهم من و میلیونها انسان چون من و برهان نیز فقر، بیکاری، کرایه نشینی و دوندگی دنبال لقمه نانی و هزار بدبختی دیگر بوده است. هر کس سر کار آمده و رئیس و وزیر و کاره این مملکت شده است، بعد از مشتاقی قول و وعده توخالی و پوچ سرانجام جز محرومیت و مرارت و زندان سهمی نداشته ایم.. انگار دنیا را تا باید چنین باشد و ما کارگران و کودکانمان باید بردگی و زاغه نشینی و درد و رنج سهممان باشد و سکوت را هم باید اختیار کنیم. در غیر این صورت زندان و ربودن و زدن و تهدید هم بارمان خواهد شد. روز است برهان دیوارگر شوهر و تنها نان آور خانه ام را بازداشت کرده اند. تا کنون به هر دری سر زده ام و علیرغم اینکه باردارم و ۱۷ روز دیگر بچه ام را به دنیا میآورم، همه جا را گشته ام و جوابی دریافت نکرده ام. روز پنجشنبه در مقابل دادگاه

تمام زندگی را با کارگری گذرانده ایم و هر روز به امید لقمه نانی، شهر به شهر و میدان کار به میدان کار و خیازی به خیازی گشته ایم. برهان دیوارگر را از کارگران خیازیهای تهران تا مهاباد، دیواندره، بوکان و سقز همه از نزدیک میشناسند. همه جا را دنبال کار گشته ایم و کار کرده ایم و با زندگی و فقر و محرومیت دست و پنجه نرم کرده ایم.

در این مملکت هر کس سر کار بوده در فکر لفت و لیس کردن داراییهای این مملکت و جمع کردن پول و دارایی بوده و به همه چیز و همه نعمات رسیده و بانکها را پر



کمیته بین المللی از طرف حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست ، با مسئولیت محمود قزوینی و خالد حاج محمدی، برای آزادی برهان دیوارگر و صدها زندانی سیاسی دیگر در جریان است. تاکنون چندین اتحادیه کارگری، شماری از نمایندگان پارلمان دانمارک، شخصیتها و نهادهای مدافع حقوق مدنی، اتحادیه ها و سازمانهای انساندوست به این کمپین ملحق شده اند. اکتبر در شماره آتی خود این تلاشهای انساندوستانه را منعکس خواهد کرد.



پیام عبدالله دارابی و مجید حسینی

بزرگترین دشمنان جمهوری اسلامی است. صفوف چنین مبارزه ای را متحذرتن کسروش دهیم. ما از رهبری حزب حکمتیست، آمادگی پیشبرد چنین مبارزه ای را داریم. شما مردم کردستان و ایران را به اتحاد مبارزاتی حول منشور سرنگونی جمهوری اسلامی و به پیوستن به صف حزب حکمتیست فراخوانیم.

زنده باد آزادی - زنده باد برابری - زنده باد سوسیالیسم مرگ بر جمهوری اسلامی

عبدالله دارابی
مجید حسینی

حزب حکمتیست پرچمدار این مبارزه است و ما شما را به قرار گرفتن در کنار خود مان و پیوستن به این حزب فراخوانیم. وقایع اخیر در کردستان و بویژه اعتراض پیروزمند روز ۱۶ مرداد نشان داد که کردستان نه صحنه قوم پرستان بلکه صحنه آزادیخواهی و چپ پرچمدار مبارزه انقلابی است. مردم

یک چیز باید برای همه ما روشن شده باشد که بدون درهم کوبیدن کلیت جمهوری اسلامی وضعیت فعلی همچنان ادامه خواهد یافت. مبارزه برای آزادی و برابری و رسیدن به یک زندگی بهتر تنها از مسیر بزرگترین و درهم کوبیدن کلیت جمهوری اسلامی توسط مردم سرنگونی طلب ایران میگذرد. کم در سربترین راه، کم مشقت ترین راه برای رهایی از حکومت خشونت و ترور اسلامی دست زدن به قیام عمومی در سراسر ایران برای

سرکوبگر و ارتجاعی سلطنتی و جمهوری اسلامی را به پیش میبریم. تعهد ما اینست این مبارزه را تا سرانجام نتهایی، تا تحقق آزادی و برابری و تا سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد یک جامعه پر از رفاه و سعادت و شایسته زندگی انسانی ادامه دهیم. اکنون که بار دیگر در میان شما هستیم، بار دیگر این امکان فراهم میشود تا مبارزه و اعتراض مان علیه جمهوری اسلامی را با شعار روشن تر و سازمانی درست تر دست در دست هم پیش ببریم. با ما تماس بگیرید. به دیدار ما بیایید. مثل همیشه باید تجزیات و درستیها را شریک شد و مبارزه ای قدرتمند و پرتوان را سازمان داد.

باید در مبارزه ای قاطع و سراسری و سراسرت و در کنار مردم شرافتمند و انقلابی در سراسر ایران با قیام کوبنده خود جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم تا دولت ما، دولت قیام کنندگان قدرت را به دست بگیرد.

مردم انقلابی کردستان! کارگران، زنان، جوانان! اکنون چند هفته از اعتراض و مبارزه برحق شما علیه جمهوری اسلامی میگذرد. شما مردم انقلابی کردستان بگذار دیگر نشان دادید که توحش و بربریت جمهوری اسلامی را بی جواب نمیکارید. هرچند مبارزه و اعتراض این نوره علیه جمهوری اسلامی نیز بدون تلفات پیش نرفته است اما تا همینجا درس زیادی به حکومت اسلامی داده اید. دستان مبارز و خستگی ناپذیرتان را بگرمی میفشاریم. ما با حکومت خشونت و زور و سرکوب اسلامی روبرو هستیم و حکومت خشونت و زور و سرکوب را تنها با اتحاد و همبستگی قدرتمند ما میتوان و باید به عقب راند.

مردم انقلابی کردستان مردم منارزمربیان نزدیک به سی سال است مبارزه قاطع و مشترکی علیه دولتهای